

## 326070 - حکم قطع نماز هنگام زلزله یا آتش سوزی و حکم کسی که بر اثر عدم قطع نماز مرده است.

### سوال

حکم کسی که در اثنای نمازش حادثه ای رخ دهد اما نمازش را قطع نکند چیست؟ مثال: اگر در اثنای نماز در مسجد زلزله ای رخ دهد و مردم فرار کنند اما برخی از مردم در نماز بمانند و امام نمازش را قطع نکند و سقف مسجد بر آنان بیفتد و همه کشته شوند. آیا کسانی که به سبب عدم ترک نماز در هنگام زلزله جان باخته اند شهید به شمار می آیند یا خودکشی کرده اند؟

### خلاصه ی پاسخ

برای کسی که ترس از کشته شدن خودش یا بی گناه دیگری دارد و می تواند او را نجات دهد جایز نیست که به نمازش ادامه دهد و اگر ادامه دهد گناهکار می شود و اگر بمیرد یا آسیبی به او برسد خودش را به هلاکت انداخته است.

### پاسخ مفصل

کسی که در هنگام نمازش حادثه ای مانند زلزله یا آتش سوزی رخ دهد و گمان غالبش این بود که زیانی به وی خواهد رسید و اگر نمازش را قطع کند نجات می یابد، لازم است که از آن جا بگریزد و در پی نجات خود باشد، سپس برحسب آن نمازش را تمام کند یا قطع کند و جایز نیست که با وجود گمان هلاکت آن جا بماند و گرنه خودش را به هلاکت انداخته، همچنین برای نجات دیگری از هلاکتی مانند غرق شدن یا سوختن یا افتادن در چاه، باید نمازش را قطع کند.

اصل در این مورد، سخن الله تعالی است که می فرماید:

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [بقره: ۱۹۵]

(و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید)

و این سخن پیامبر. صلی الله علیه وسلم. که: «نه [به خود] زیان بزنید و نه [به دیگران] زیان برسانید» به روایت احمد و ابن ماجه (۲۳۴۱) و آل بانی در «صحیح ابن ماجه» آن را صحیح دانسته است.

در «کشاف القناع» (۳۸۰/۱) آمده است: «واجب است که کافر معصوم» به سبب پیمان یا صلح یا امان نامه را «از چاه و مانند آن» همچون ماری که قصد او را دارد «همانند» محافظت از «مسلمان» از آن [خطر] دور کرد زیرا هر دو در عصمت یکسانند. «و» باید «غریق و مانند او را» مانند آتش سوزی «نجات داد و برای آن باید نمازش را قطع کند» چه آن نماز فرض باشد یا نفل و ظاهراً حتی اگر وقت نماز کم باشد [و در صورت نجات شخص وقت نماز به پایان برسد] زیرا می توان آن را با قضایش جبران کرد به خلاف غریق و مانند او [که اگر دیر شود جانش را از دست می دهد و قابل جبران نیست] «پس اگر نخواست قطعش کند» یعنی نخواست نمازش را برای نجات یک غریق یا مانند آن قطع کند: گناهکار می شود و نمازش [درست است] مانند نماز خواندن با عمامه حریر».

ابن رجب حنبلی . رحمه الله . می گوید: «قتاده می گوید: اگر لباسش را دزدیدند، در پی دزد می رود و نمازش را رها می کند.

و عبدالرزاق در کتابش از معمر از حسن و قتاده درباره مردی روایت کرده که در حال نماز است و ترسید که حیوان سواری اش برود یا حیوانات وحشی به او حمله کنند، چه کار کند؟ گفتند: نمازش را رها می کند.

و از معمر از قتاده روایت است که از او پرسیدم: مردی در حال نماز است و ببیند که کودکی کنار چاه است و بترسد که در آن بیفتد، آیا نمازش را قطع کند؟

گفت: بله.

گفتم: سارقی را ببیند که می خواهد کفش هایش را بردارد؟ گفت: نمازش را ترک کند.

و مذهب سفیان این است که اگر شخص در حال نماز باشد و چیزی را در حال خطر ببیند به سوی آن برود. این را معارفی از او روایت کرده است.

همین طور اگر حیواناتش یا سواری اش را در خطر سیل ببیند.

مذهب مالک چنین است که هرکس در حال نماز بود و حیوان سواری اش رفت اگر نزدیک بود [در حال نماز] به سویش می رود، اگر روبرو یا سمت راست یا چپش بود، اما اگر دور بود در پی آن می رود و نمازش را قطع می کند.

مذهب اصحاب ما (حنبلیان) این است که اگر غرقی دید یا کسی را در آتش دید یا دو کودک را دید که در حال زدن یکدیگرند و مانند آن و می تواند خطر را دفع کند نمازش را قطع می کند و آن خطر را دفع می کند.

برخی این کار را محدود به نماز نافله دانسته اند اما قول صحیح آن است که شامل نماز فرض و غیر آن می شود.

احمد درباره کسی که از بدهکارش تقاضای پولش را دارد و سپس به نماز می ایستند و ناگهان بدهکار می گریزد چنین می گوید: در پی او خارج می شود [و نمازش را قطع می کند].

احمد همچنین می گوید: اگر کودکی را دید که در چاه می افتد نمازش را قطع می کند و او را می گیرد.

برخی از اصحاب ما (حنبلیان) گفته اند: نمازش را در صورتی قطع می کند که برای گرفتن کودک نیاز به حرکت بسیار داشته باشد، اما اگر حرکتی اندک لازم بود نمازش را باطل نمی کند (مانند آن که کودک در نزدیکی او بود و توانست در حال نماز او را بگیرد).

ابوبکر نیز همین را درباره کسی می گوید که در پی بدهکارش رفته است که باز می گردد و نمازش را ادامه می دهد.

قاضی این را حمل بر حالتی کرده که حرکاتش کم بوده است.

و این را نیز می توان محتمل دانست که بگوییم: او نسبت به مالش ترس داشته بنابراین کارش بخشیده می شود اگرچه حرکاتش [در رفتن در پی بدهکار در هنگامی نماز] بسیار بوده باشد» (فتح الباری ابن رجب: ۳۳۶/۹ - ۳۳۷).

خلاصه آن که:

برای کسی که نسبت به جان خودش یا جان یک انسان بی گناه دیگر که می تواند نجاتش دهد احساس خطر می کند جایز نیست که به نمازش ادامه دهد و اگر ادامه دهد گناهکار می شود و اگر مرد یا آسیب بدید خودش را به هلاکت انداخته است.

والله اعلم